Forgotten dignity (A look at Imamzadegan Darb Imam of Isfahan and its spiritual, historical and architectural position)

MohammadHosein Riahi[1]

Abstract

Among the famous imamzadegan of Isfahan with correct lineage is Darbe Imam imamzadeh, which is located in the old but ancient neighborhood of Sonbolan (Sonbolestan). One is Ibrahim Bathayi (Bathani) from the grandsons of Zeyd bin Hasan and the other is Abol Hasan Zein al-Abedin Ali from the descendants of Ali bin Jafar Arizi, the first one is a descendant of Imam Hasan Mojtaba and the second one is a descendant of Imam Jafar Sadeq. The Darbe Imam Historical building consists of two large and small domed buildings and a large tiled head in from the reign of Jahanshah Qaraqoyunlu which is located on its northern side and three courtyards are formed on its northern, eastern and western sides. There are many historical and artistic features of this valuable building, which are mentioned in this article.

In this article, while examining the personality of the first Alevi buried in the tomb (Ibrahim Bathani), his position and rank during his lifetime have been mentioned, citing various sources. Another buried person is Abol Hasan Zeinol Abedin Ali, who, while referring to his lineage, the position and status of his children, especially Sadat Imami of Isfahan, has been investigated. In the other part of the present article, the background and historical course of the building and works of Darbe Imam collection are mentioned. This article also shows the importance of the mentioned place as an important and effective base in the religious and cultural history of Isfahan for many centuries. The great care and importance of the mausoleum of these imams in the Safavid era, especially during the era of Shah Abbas I and his successors, is such that the sultans of this dynasty, especially considering the transfer of Shah Tahmasb I's body there, considered this place as one of their main sacred and pilgrimage places. The characteristics of the building and its architectural features, which are the result of the works of different eras, especially the era of the Qaraqoyunlu Turkmen and the Safavid era, Including decorations, types of calligraphy and other beauties, it made it one of the most significant spiritual spaces of Iran and Isfahan, which is discussed in this article.

Key words: Isfahan, Imamzadegan, Darbe Imam, Ebrahim Batahayi (Bathani), Abolhasan Zeinol Abedin Ali, architecture.

1. Doctorate in Islamic history and professor at Al-Mustafa Al-Alamiya University, Isfahan.
mhrmhr@yahoo.com

منزلةٌ منسية (نظرة على ابناء الائمة في درب إمام أصفهان و مكانتهم الروحية و التاريخية و المعمارية)

محمدحسين رياحى[١]

الخلاصة

من بين ابناء الائمة صحيحي النسب و يستحقون التكريم في أصفهان هو ابناء الائمة درب إمام الذين يقعان في حي سنبلان(سنبلستان) القديم و الاثري. أحدهما إبراهيم بطحائي (بطحاني) من أحفاد زيد بن حسن و الآخر أبو الحسن زين العابدين علي من ولد علي بن جعفر العريضي، الأول من ولد الإمام الحسن المجتبي (و الثاني من نسل الإمام جعفر الصادق). يتكون مبنى درب الإمام التاريخي من قبتين احداهما كبيرة و اخرى صغيرة و بوابة كبيرة مزينة بالفسيفساء من عهد جهانشاه قراقويونلو، و الذي يقع في جانبه الشمالي، و تتشكل ثلاث أفنية في جوانبه الشمالية و الشرقية و الغربية. تم تزيين الجزء الخارجي لهذا المبنى، بالإضافة إلى الأفنية الثلاثة، بالبلاط والتجصيص، كما أن القبتين، و خاصة القبة الأكبر، مغطاة ببلاط فسيفساء رائع. إن السمات التاريخية و الفنية لهذا المبنى القيم كثيرة، و التي نذكرها في هذا المقال بأبعاده المختلفة. في هذا المقال ضمن دراسة شخصية اول علوي مدفون في المقبرة (إبراهيم البطحائي)، تم ذكر مكانته و رتبته خلال حياته، مع ذكر مصادر مختلفة. و المدفون الآخر هو أبو الحسن زين العابدين علي، الذي تم التحقيق في نسبه و مكانة و كرامة أبنائه، و خاصة السادات الإمامي من أصفهان. و في الجزء الآخر من هذا المقال يتم ذكر الخلفية و المسار التاريخي لبناء و أعمال مجموعة درب إمام، مما يوضح أيضاً أهمية المكان المذكور كقاعدة مهمة و فعالة في تاريخ أصفهان الديني و الثقافي خلال قرون عديدة. إن العناية و الأهمية الفائقة التي حظي بها ضريح هؤلاء الأئمة في العصر الصفوي، خاصة في عهد الشاه عباس الأول و خلفائه، بلغت درجة أن سلاطين هذه السلالة خاصة بحيث تم نقل جثمان الشاه طهماسب الأول إلى هناك، و اعتبروا هذا المكان أحد أهم مواقع الزيارة المقدسة لديهم. إن خصائص المبنى و معالمه المعمارية التي هي نتيجة أعمال العصور المختلفة، و خاصة عصر تركمان القراقيونلو و العصر الصفوي، بما في ذلك الزخارف و أنواع الخط و جماليات أخرى، جعلته من أهم مباني الفضاءات الروحية في إيران و أصفهان و التي نتعرض لها في هذا المقال.

الكلمات المفتاحية: أصفهان، ابناء الائمة، درب الإمام، إبراهيم بطحائي (بطحاني)، أبو الحسن زين العابدين علي، العمارة

١. عضو هيئة التدريس في جامعة أصفهان الثقافية وأستاذ جماعة المصطفى العالمية
mhrmhr@yahoo.com

منزلتِ فراموش شده (نگاهی به امامزادگان درب امام اصفهان و جایگاه معنوی، تاریخی و معماری آن)

مقاله پژوهشی
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۰

محمد حسین ریاحی[۱]

چکیده

از جمله امامزادگان واجب التکریم و صحیح النسب اصفهان، امامزاده درب امام است که در محلهٔ قدیمی بلکه باستانی سنبلان (سنبلستان) واقع شده است. یکی ابراهیم بطحایی (بطحانی) از نبیره‌های زید بن حسن و دیگری ابوالحسن زین‌العابدین علی از اولاد علی بن جعفر عریضی است، اولی از فرزندزادگان امام حسن مجتبی (و دومی از اولاد امام جعفر صادق (می‌باشد. بنای تاریخی درب امام از دو بنای گنبددار بزرگ و کوچک و یک سردر بزرگ کاشی‌کاری از دورهٔ سلطنت جهانشاه قراقویونلو است که در ضلع شمالی آن واقع گردیده و سه صحن نیز در سه جانب شمالی، شرقی و غربی آن تشکیل می‌شود. نمای خارجی این بنا به جانب هر سه صحن دارای تزئینات کاشی‌کاری و گچ‌بری است و هر دو گنبد آن، مخصوصاً گنبد بزرگتر، از کاشی‌های نفیس پوشیده شده است. ویژگی‌های تاریخی و هنری این بنای ارزشمند متعدد است که در این مقاله به ابعاد مختلف آن اشاره شده است. در نوشتار حاضر ضمن بررسی شخصیت نخستین علوی مدفون در بقعه (ابراهیم بطحانی) به موقعیت و مرتبت او در زمان حیاتش، با استناد به منابع مختلف اشاره رفته است. مدفون دیگر ابوالحسن زین‌العابدین علی که ضمن اشاره به نسب او، جایگاه و منزلت فرزندانش به خصوص سادات امامی اصفهان مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش دیگر مقالهٔ حاضر به پیشینه و سیر تاریخی بنا و آثار مجموعهٔ درب امام اشاره رفته است که این مطلب نیز نشانگر اهمیت مکان مذکور به عنوان پایگاهی مهم و مؤثر در تاریخ مذهبی و فرهنگی اصفهان در طول سده‌های متمادی می‌باشد. اعتنا و اهمیت فوق‌العاده بقعه این امامزادگان در دورهٔ صفوی به ویژه عصر شاه عباس اول و جانشینان وی گونه‌ای است که سلاطین این سلسله خصوصاً با توجه به انتقال جنازه شاه طهماسب اول بدانجا، این مکان را جزو اصلی‌ترین اماکن مقدس و زیارتی خود به شمار آورده‌اند. خصوصیات بنا و ویژگی‌های معماری آن که حاصل آثارِ ادوار گوناگون به ویژه عصر ترکمانان قراقویونلو و دورهٔ صفویه است مشتمل بر تزئینات، انواع خوشنویسی و زیبایی‌های دیگر، آنجا را جزو شاخص‌ترین فضاهای معنوی ایران و اصفهان درآورده بود که در نوشتار حاضر بدان پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: اصفهان، امامزادگان، درب امام، ابراهیم بطحایی (بطحانی)، ابوالحسن زین‌العابدین علی، معماری.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان اصفهان و استاد جامعه المصطفی العالمیه
mhrmhr@yahoo.com

۱. مقدمه

اصفهان که در طول تاریخ پرفراز و نشیب و قابل اعتنای خود شاهد تحولاتی بسیار بوده، دارای مجموعه‌ای از محلات و مناطقی است که هرکدام دارای پیشینه‌ای قابل توجه می‌باشد. و وجود برخی اماکن یا بقاع مذهبی و زیارتی در این شهر باعث اشتهار محل به این مکان و بقعه شده است. محلاتی مانند امامزاده اسماعیل یا امامزاده احمد و بجز آن.

امامزادگان درب امام از جمله فضاهای تاریخی و اصیلی است که در محلهٔ باستانی سنبلان که امروزه سنبلستان نامیده می‌شود واقع گردیده است. یکی ابراهیم بطحانی (بطحایی) از نبیره‌های زید بن حسن (و دیگری ابوالحسن زین‌العابدین علی از اولاد علی بن جعفر عریضی از نسل امام صادق(می‌باشد که اولی متعلق به قرن سوم و دومی مربوط به قرون پنجم و ششم هجری است.

درب امام و حوالی آن برخوردار از فضاهای تاریخی و منازل و مکان‌هایی بوده که نه تنها بسیاری از بزرگان و اندیشمندان اصفهان بلکه ایران و جهان اسلام را در خود پرورش داده است. همین طور آثاری متعدد از بناهای ارزشمند تاریخی، معماری و هنری در این محل و حول و حوش آن بوده که در این راستا می‌توان محور تاریخی جماله را نام برد.

آنچه احساس می‌گردد محله‌ای با انبوهی مطلب وجود دارد که متأسفانه بر اثر گذر ایام و بی‌مهری‌ها به فراموشی سپرده یا مدفون شده است، خاطرات و اتفاقاتی که با اصفهان و تاریخ این سرزمین پیوندی ناگسستنی دارد. یکی از اصلی‌ترین مسائل مغفول مانده، هویت تاریخی، فرهنگی و اجتماعی آن است. فضایی که روزگاری درخشان‌ترین و قابل ملاحظه‌ترین صفحات تاریخ را به خود اختصاص داده بود، در این زمان، خاموش و مسکوت مانده است، به طوری که بنایی چون امامزادگان درب امام که از فضاهای تاریخی و معماری مورد توجه در اعصار بوده است رو به ویرانی می‌باشد، در حالی که امروزه داعیه دفاع از ارزش‌ها و حفظ میراث‌ها را داریم این بنای باشکوه در حال تخریب تدریجی است و تأسف بارتر از آن گاهی بازسازی‌ها و یا نوسازی‌هایی است که اصالت بنا را تهدید کرده و می‌کند.

۲. نسب و شخصیت امامزادگان مدفون در درب امام

۱-۲. ابراهیم بطحانی (نخستین مدفون درب امام)

اولین شخصیت علوی مدفون در بقعهٔ درب امام ابراهیم بطحانی است. وی از سادات حسنی می‌باشد. پشت پنجم حضرت امام حسن مجتبی (و از احفاد زید بن حسن (است. به نوشتهٔ مرحوم همایی، درواقع نسبت ابراهیم بطحانی با سر حلقهٔ نسب علویان یعنی امام الموحدین علی بن ابی‌طالب(شش واسطه می‌باشد.

کلمهٔ بطحانی با نون از یاء نسبت، به ضم باء موجوده، و فتح آن هر دو آمده است و بعضی ضم را افصح می‌دانند منسوب به بطحان و ضم باء و آن موضعی است در مدینه چنان که «عمدةالطالب» می‌نویسد: یروی بفتح الباء منسوباً الی بطحاء و بضمها منسوباً الی بطحان وادٍ بالمدینه.

یاقوت حموی نیز در معجم البلدان آن (بطحان) را آبادی یا مکانی در اطراف شهر مدینه دانسته

است. به تصریح آثار موثقی مانند کتاب: «منتقلة الطالبیین» یا «مهاجران آل ابوطالب»، ابراهیم بن محمد بطحانی و پسرش حسن، قدم به خاک اصفهان نهادند و در همین شهر از دنیا رفته و در آستانهٔ مسجد سعید بن جبیر دفن شده‌اند.

امامزاده ابراهیم بن بطحانی را بعضی به اشتباه «بطحاء» گفته یا نوشته‌اند، مثلاً در کتیبهٔ سردرب بقعه متعلق به دورهٔ سلطنت شاه سلطان حسین صفوی به تبع مشهور، ابراهیم بطحاء، نوشته شده، شهرت نسب بطحانی متعلق به پدر ابراهیم یعنی محمد بن قاسم می‌باشد و خود او را در کتب انساب غالباً ابراهیم بطحانی به توسیط کلمهٔ (ابن) و گاهی با حذف واسطه ابراهیم بطحائی می‌گویند. و خود ابراهیم به طوری که صاحب «عمدة الطالب» به عبارت (علی ماقیل) نقل کرده است به نسبت شجری معروف بود و این نیز به خاطر عمویش عبدالرحمن شجری ابن قاسم بن حسن بن زید بود.

ابراهیم بن محمد بطحانی در اواسط قرن سوم هجری می‌زیست و مدتی نیز مانند برادرش قاسم (رئیس مدینه) و جدّبزرگش حسن امیر (امیر مدینه در اوایل دورهٔ خلافت عباسی) و جدّ کوچکش قاسم بن حسن امیر، در مدینه ریاست داشته است.

ابن طباطبا پس از عنوان این مطلب که ابراهیم بطحانی و پسرش (حسن) در محلهٔ جمیلان (سنبلان) به خاک سپرده شده‌اند اظهار داشته: کسی در اصفهان که نسب خود را بدو برساند، معروف نیست. و با توجه به این که مؤلف کتاب (منتقلة الطالبیین) تا حدود سال ۴۸۰ ق در اصفهان بوده است و احتمالاً در این شهر نیز وفات یافته، مطلب او معتبر و موثق است. البته محل قبر حسن بن ابراهیم بطحانی امروزه و یا در حال حاضر در این محل (درب امام) معروف نیست لیکن با توجه به نوشتهٔ ابن طباطبا مزار او هم باید در همین مکان باشد.

استاد جلال‌الدین همایی نیز پس از درج مطلب صاحب «منتقلة الطالبیین» می‌نویسد: مدرکی از «منتقله» معتبرتر و عالم نسابه‌ای از مؤلف این کتاب موثق‌تر وجود ندارد به ویژه این که خود او نیز اهل اصفهان بوده، و بعید است که خود قبر را ندیده باشد، با علائم و نشانه‌هایی از این صریح‌تر و واضح‌تر دیگر چگونه می‌تواند بود؟! مرحوم همایی چنین نتیجه می‌گیرد که: بجز کتیبه‌ها، دیگر دلالت مهم که در صحت و اعتبار آن احدی از مورخان و علمای نسابه را تردید نیست. بدین سبب با قوّت و اطمینان، بدون دغدغه و اضطراب خاطر می‌گویم که درب امام] ابراهیم بطحانی[از امامزادگان قلیل الواسطهٔ صحیح النسب و بسیار معتبر اصفهان است.

مؤلف تاریخ اصفهان (سلسله سادات و مشجرات)، دو امامزادهٔ اصفهان را از حیث قدمت و صحت نسب در رتبهٔ اول دانسته است یکی امامزاده اسماعیل و دیگری مزار ابراهیم بطحانی در درب امام.

وی دربارهٔ این که معروف است ابراهیم بطحانی جدّ سادات طباطبایی است آن را تأیید نمی‌کند. همچنین او نسب ابراهیم بطحانی را با امامزاده اسماعیلِ اصفهان از یک اصل و ریشه می‌داند.

همان طور که اشاره شد از نسل ابراهیم بطحانی و پسرش اولادی در اصفهان معروف و مشهور نبود. اما از فرزندان و نوادگان ابراهیم، افراد و یا اشخاص بسیاری در شهرها و ولایات پراکنده شدند. و بعضی از اعقابش به مقاماتی از جمله وزارت دست یافته و به قولی صاحب دستگاه شدند. یکی از

پسران ابراهیم، محمد نام داشت که از جمله نوادگانش، وزیر ابوالحسن نصیرالدین ناصر حسینی (متوفی ۶۱۷ ق) از نقباء، وزرا، فضلاء و ادبای دوران خلافت خلیفهٔ عباسی «الناصرالدین لله» (۶۲۲ ــ ۵۷۵ ق) است (ابو اسماعیل، ۱۳۷۲: ۹۳؛ همایی، ۱۳۹۰: ۴۴، ۹۲، ۱۱۴ و ۱۱۵، ۱۶۵ و ۱۶۶، ۱۷۲؛ حسینی، ۱۳۹۷: ۴۷؛ همایی، ۱۳۸۴: ۱۱۰-۱۱۱؛ حموی، ۱۳۹۹ ق: ج ۱: ۴۴۶).

۳. پیشینه و سیر تاریخی بنا و آثار مجموعهٔ درب امام

۳-۱. امامزادگان درب امام (موقعیت، اهمیت و سیر تاریخی)

مجموعه درب امام تقریباً در محدوده میانی محله‌های قدیم و با سابقه شهر اصفهان قرار دارد. امروزه از حیث جایگاه و موقعیت بنا از طرف شمال به سنبلستان، از جنوب به محلهٔ جماله و خیابان جمال‌الدین عبدالرزاق، از جانب مشرق به حمام وزیر و محله دردشت و از مغرب به تل عاشقان و دروازه نو محدود و متصل است.

امامزادگان درب امام (ابراهیم بطحایی «بطحانی» و ابوالحسن علی ملقب به زین‌العابدین) که در ادوار مختلف، مدفن آنان از مهم‌ترین مزارات تاریخی اصفهان محسوب شده است علاوه بر جنبه‌های تاریخی، از حیث معماری و قدمت بنا نیز جزو مهم‌ترین بلکه نفیس‌ترین آثار و بناهای اصفهان و ایران به حساب می‌آید. و به نوشتهٔ استاد جلال‌الدین همایی به واسطهٔ مدفن این امامزادگان به این نام] درب امام [خوانده شده و خود بقعه و حوالی آن جزو محلهٔ چملان] سنبلان [بوده و تدریجاً قسمتی از دردشت و جماله کله و حوالی قصر نام محلهٔ مجزا] درب امام[به خود گرفته است (همایی، ۱۳۸۹: ۳۲۹)

امروزه و به ویژه در پنج دههٔ گذشته در قسمت‌هایی از فضای داخلی و یا صحن‌های مربوط به آن تغییراتی صورت گرفته که برخی از آنها با اصول معماری سنتی و ساختار اصلی آن مغایرت داشته و به جای بازسازی منطبق با فرهنگ معماری ایرانی ـ اسلامی در آن نوسازی و دگرگونی رخ داده است، به ویژه این موضوع در صحن شرقی و بخش‌هایی از صحن شمالی و حتی صحن غربی نیز مشهود و معلوم است.

تعدادی از آثار مانند تالار صحن شمالی و یا سقاخانه‌های مجاور و مرتبط با امامزاده از بین رفته است و نیز مسجد سعید بن جبیر که از پیشینه‌ای بسیار برخوردار و مربوط به قرن اول هجری بوده با گذر زمان تغییراتی را به خود دیده است. برخی کتیبه‌ها نیز آسیب دیده و یا قسمتی از آن کنده و یا محو شده است مانند آنچه در کتیبهٔ زیبا و تاریخی صحن شمالی امامزادگان مشهود می‌باشد. همچنین صحن غربی نیز که دارای فضاهایی تاریخی و سنتی بوده نیز دچار تغییراتی گردیده است و یا اماکنی که دارای تزیینات ظریف و شگفت انگیز بوده و هست از جمله زیر گنبد بقعه مادر جهانشاه (مکانی که در حال حاضر مقبرهٔ آیت الله ابوتراب درچه‌ای واقع شده) و دیواره و کاشی‌های آن نیز بر اثر ترمیم‌های غیر اصولی و دخل و تصرف‌های بی جا آسیب دیده است.

انبوه بی‌توجهی‌ها و عدم دقت و نیز دخالت‌های غیر صحیح باعث ایجاد ضرباتی به این فضای معنوی و تاریخی شده است، اگرچه دلسوزان و علاقمندانی به ویژه از اهالی بومی تا حدودی مراقبت‌های لازم را به عمل آورده‌اند لیکن حفظ این فضای ارزشمند با ویژگی‌هایی که دارد احتیاج به مشارکت جمعی و مدیریت واحد و دلسوزانه دارد.

شایسته است با استناد و تتبع در بنا و نیز نوشته‌ها و منابعی که به درب امام پرداخته‌اند برخی موارد مورد بررسی قرار گیرد.

آنچه به دست می‌آید وجود قریهٔ سنبلان و اجتماع بخشی از مردم اصفهان قدیم در آن، نشانگر باستانی بودن آن و تعلق به دورهٔ قبل از اسلام است. با ظهور اسلام و فتوحات مسلمین در ایران، شهر اصفهان و محلات آن نیز تابع خلافت اسلامی گردید و با توجه به اشاره‌ای که به مشاهیر و بزرگان سنبلان و ورود امثال سعید بن جبیر به اصفهان و این محله گردیده است، بنابراین محلهٔ مذکور پذیرای شخصیت‌ها و یا دیگر مقامات و یا افراد بوده است.

سنبلستان که سنبلان یا چملان نیز نامیده شده است در زمان‌های دور بخشی از حومهٔ شهر اصفهان محسوب می‌گردید. در اوایل خلافت عباسی یعنی حدود سال ۱۵۰ هجری جزو محلات داخل شهر واقع شد. در کتب و اسناد قدیمی نام آن را به اشکال مختلف ضبط کرده‌اند مانند «چملان»، «چنبلان»، «چمبلان» و «شمبلان»(همایی، ۱۳۸۹: ۲۳۲؛ ریاحی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۳).

استاد جلال‌الدین همایی، واژه‌های سنبلان و چملان را صحیح می‌داند. در بیتی از حکیم شفایی شاعر و طبیب دوران شاه عباس اول صفوی از «چملان» یاد شده و آمده است:

مؤمن هللم بازی چمـلان بـه کجا رفت پاکاری صد در صد کرمان به کجا رفت[1]

برخی چون محمد مهریار، واژهٔ اصلی را چنبلان می‌داند که به سمبلان تغییر شکل یافته است و آن برگرفته از کنبران (کنب + ر + ان) به معنی چاه، قنات و یا نهر آب می‌باشد (مهریار، ۱۳۸۲:۳۲۷-۳۲۹). اما آنچه باید گفت این محله پیشینه‌ای قابل توجه و ریشه در اعصار دور دارد و با توجه به حفاری‌ها و مشاهدات صورت گرفته در اوایل قرن چهاردهم شمسی با احداث بیمارستان امین، آثاری ملاحظه گردید که حکایت از وجود گورهای باستانی در آن داشته است. مزارات سنبلان که تا درب امام امتداد داشته، پس از اسلام و نیز حتی تا دوران اخیر مورد توجه و محل دفن بوده است. که در اثر حاضر به برخی منسوبین و یا مدفونین آن اشاره شده است. وسعت قبرستان سنبلان نیز در این اواخر و قبل از تبدیل و تغییر آن حدود پنجاه هزار متر مربع بوده است (جابری انصاری، ۱۳۷۸: ۳۱)؛ بنابراین استنباط می‌شود درب امام کنونی نیز جزئی از محلهٔ بزرگ سنبلان و بخشی از مزارات آن به حساب آمده است.

۳-۲. از سدهٔ سوم هجری تا دورهٔ صفوی

سابقهٔ تاریخی این بقعه به اواسط قرن سوم هجری می‌رسد و به نوشتهٔ تاریخ اصفهان (مجلد ابنیه و عمارات)، آن زمان خاندان ابودلف عجلی (نیمهٔ اول سدهٔ سوم ق) در اصفهان حکومت و اقتدار داشتند و امامزاده ابراهیم بطحانی و فرزندش (حسن بن ابراهیم) در این موضع دفن شدند (همایی، ۱۳۸۴: ۱۱۷).

در اواخر دوران سلاجقه و در قرن ششم هجری نیز با واقع شدن مقبره سید زین‌العابدین علی

۱. فاضل ارجمند آقای علی رضا انتشاری در گفتگو با نگارنده اثر حاضر، اظهار داشت که این بیت را در فایل کتاب «فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه راغب پاشا» ملاحظه نموده است.

عریضی در آنجا، این مکان فضایی بسیار مورد توجه بوده است و به قول مرحوم همایی از همان ایام در این محل عمارت و بقعه‌ای بوده است که به مرور دهور و گذر زمان دگرگون و یا تخریب شده و به صورت فعلی در آمده است (همان).

با دگرگونی‌هایی که در اواسط قرن نهم هجری و در عصر زمامداری جهانشاه قراقویونلو و پس از آن، در فضای مقابر امامزادگان و به واسطهٔ احداث بنایی زیبا و نفیس حاصل شد، حکایت از وجود نظم و نسق در این مجموعه می‌نماید به طوری که در طومار درب امام نیز اشاراتی بدان شده است. درواقع باید اذعان نمود، حتی صفویان نیز بعداً در ادامهٔ کار ترکمانان به تکمیل و توسیع بنا پرداخته‌اند

۳-۳. اهمیت فوق‌العاده و جایگاه ممتاز درب امام در عهد صفویان

در عصر صفویه حتی قبل از پایتختی شهر اصفهان نیز بقعه یا مزارات امامزادگان درب امام جایگاه بسیار والایی داشت و به قولی، در دورهٔ صفویه بیش از همه وقت به این بقعه توجه خاص مبذول شد و به نوشتهٔ کتاب تاریخ اصفهان مجلد «ابنیه و عمارات»: درست است که صفویان نسبت به همه مساجد و مدارس و امامزادگان توجه داشتند اما اهتمام ایشان دربارهٔ درب امام فوق‌العاده است.

در عصر سلطنت شاه طهماسب اول (۹۳۰ ــ ۹۸۴ ق) سید امیر ابوطالب امامی منصب تولیت آستانه و بقعه را عهده دار بود. وی از شخصیت‌های متنفذ علمی و معنوی آن زمان به حساب آمده است.

همچنین قبل از به تخت نشستن شاه عباس اول و یا اوایل جلوس او شخصیت‌هایی از علما و فقهای جبل عامل مانند زین‌الدین علی پسر هلال کرکی و یا شیخ عبدالعالی کرکی (متوفی ۹۹۳ ق) ساکن در ایران و اصفهان، پس از مدتی که محل دفن اولیه ایشان درب امام بود جنازهٔ آن‌ها نقل و در مشهد مقدس رضوی به خاک سپرده شد.

شاه عباس اول صفوی در این راستا یعنی در اهتمام و تکریم به امامزادگان درب امام عنایت خاصی داشت و به نوشتهٔ مرحوم همایی: شاه عباس کبیر در توسیع مرافق و تعمیر و تزیین این محل توجه به سزا داشت. حتی این که در وقف نامهٔ معروف خویش که مابین سنوات (۱۱۰۳ ــ ۱۰۱۶ ق) تنظیم شده، و تمام عمارات و ابنیهٔ مستحدثهٔ خود را در اصفهان شامل میدان نقش جهان و چهار بازار و قیصریه و حمام و کاروانسرای شاه و غیره و غیره همه را وقف بر چهارده معصوم کرده، سید زین العابدین درب امام را در ردیف معصومین آورده، و مبلغی مهم از عواید موقوفه را برای مخارج تعمیر و سایر امور متعلق به این امامزاده قرار داده که در صورت وقف نامه به اسم و رسم مذکور است (همایی، ۱۳۸۴: ۱۱۴؛ شاملو، ۱۳۶۸).

بعد از وی نیز سلاطین صفوی مخصوصاً شاه سلیمان و شاه سلطان حسین که کتیبه‌ها و آثارشان در بقعه موجود است، در تعمیر و تزیین و الحاق مرافق سعی بلیغ نموده‌اند (گدار، ۱۳۶۸، ج ۴: ۲۳۴-۲۴۲).

مؤلف کتاب تاریخ اصفهان در تتمهٔ ابنیه و عمارات، معتقد است قسمتی از این رسیدگی و توجه در آنجا توسط پادشاه بزرگ صفوی] شاه عباس اول صفوی[به واسطهٔ وجود مدفن شاه طهماسب

و در این امامزاده بوده است (همایی، ۱۳۸۴: ۱۱۴-۱۱۵) که در جای دیگری از اثر حاضر بدان اشاره شده است.

بجز برخی از علمای جبل عاملی مهاجر به ایران که مدتی و قبل از نقل پیکر آنان به مشهد مقدس رضوی، جنازهٔ آنان در امامزاده درب امام قرار گرفته بود. پس از وفات دانشمند جامع و عالم بزرگ جناب شیخ بهاءالدین محمد عاملی (متوفی ۱۰۳۰ ق) پیکر وی به درب امام منتقل گردید (مهدوی، ۱۳۸۲: ۲۰۸-۲۰۹). البته این که تا چه مدتی جنازهٔ او در آنجا قرار داشته است اطلاع چندانی در دست نیست.

اسکندر بیک ترکمان آورده است: [مردم و بسیاری از بزرگان و صاحب منصبان] در پس و پیش جنازه مغفرت اندازه قدم بر خاک نهاده، وضیع و شریف در برداشتن جنازه به یکدیگر سبقت می‌جستند، ازدحام خلایق به مرتبه‌ای بود که در میدان نقش جهان با همهٔ وسعت و فسحت بر زیر یکدیگر افتاده از هجوم عام بردن جنازه دشوار بود و در مسجد جامع عتیق به آب چاه غسل داده، علما و فضلا بر آن جنازه محفوف به رحمت حی لایموت نماز گزارده و در بقعه شریفه منسوبه به حضرت امام الساجدین و قبلة العارفین امام زین‌العابدین که مدفن دو امامزادهٔ عالی‌قدر] منظور درب امام[گذاشته، از آنجا نقل مشهد مقدسه رضویه علی مشرفها الصلوة والتحیه نموده. بر وفق وصیتی که خود کرده بود در پایین پای مبارک در منزلی که در ایام اقامت مشهد مقدس مدرس شیخ بود مدفون گشت (منشی ترکمان، ۱۳۵۰، ج ۲: ۹۶۷-۹۶۸).

میرزا محمد طاهر نصرآبادی در تذکرة الشعرا معروف به تذکرهٔ نصرآبادی در لابلای مطالب مربوط به معرفی ادبا و شعرا از شخصی به نام «میر شهنشاه» یاد کرده که وی از سادات و متولیان امامزاده واجب التعظیم امامزاده زین العابدین (درب امام) بوده است. بنابراین مشخص است که این امامزاده از حیث تشکیلات و موضوع رسیدگی به آن، در دورهٔ صفویه از جایگاهی والا و اعتباری خاص بهره‌مند و مورد توجه ویژه قرار داشته است (نصرآبادی، ۱۳۷۸:۱۷۵).

در بین سفرنامه‌های دورهٔ صفویه، نوشتهٔ شاردن دربارهٔ این مکان (بقعهٔ درب امام) و مجاورت آن ملاحظه می‌شود. وی پس از گذر از دروازه عباسی (دروازه نو) می‌نویسد: چیز مهمی که در این بخش دیده می‌شود کوچهٔ طویل و خوش ساختِ «سنگتراشان» است و نیز مسجد امام زین‌العابدین (در اینجا می‌باشد [او بر این امامزاده (درب امام) اطلاق امام یا یکی از ائمه اثنی عشری را نموده است]. (شاردن، ۱۳۷۹: ۱۱۷)

در محوطهٔ این مسجد [درب امام [باغ بزرگی است به طوری که این بنا در حقیقت وسط بیشهٔ انبوهی] سنبلستان [واقع گردیده و حوض‌های بزرگی نیز دارد و نیز قبرستان جماله [سنبلان] که بزرگترین و قدیمی‌ترین قبرستان‌های شهر است در این بخش می‌باشد. در سال ۶۴۵ میلادی (۱۰۵۵ ق) در این قبرستان در گوشهٔ قبر کهنه زمین را می‌کندند، سنگ قبری یافت شد که نام شیخ ابوالفتوح روی آن نقش بود (همان).

این سیاح فرانسوی (شاردن) این شخص را شیخ ابوالفتوح رازی دانسته است.] لازم به ذکر است که ابوالفتوح رازی (متوفی ۵۶۶ ق) در ری و در جوار حرم حضرت عبدالعظیم حسنی (مدفون است[«اعلام اصفهان» قبری را که شاردن منسوب به ابوالفتوح رازی عنوان کرده را متعلق

به ابوالفتوح عجلی (متوفی ۶۰۰ ق) می‌داند و باز نیز به نقل از «اعلام اصفهان» قول صحیح‌تر این است که ابوالفتوح عجلی در بقعهٔ امامزاده ابراهیم موسوی که گوشه‌ای از قبرستان کهن طوقچی بوده است مدفون می‌باشد (مهدوی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۳۱۲-۳۱۳).

۳ـ۴. سقوط صفویه و پس از آن

پس از سقوط شهر تاریخی اصفهان در اواخر سال ۱۱۳۴ ق و اوایل ۱۱۳۵ ق و مصائبی که دامنگیر این شهر گردید بسیاری از آثار و بناهای معمور و آباد تخریب و منهدم گردید و اشیاء و امکانات و لوازم ذی قیمت آن نیز چپاول گردید، به ویژه این که اصفهان به طور مستمر پس از تهاجم افغان و خرابی‌هایی که این فتنه ببار آورد متحمل ضربات و صدماتی گردید که در عصر نادر و پس از آن هم ادامه داشت (سپنتا، ۳۳۹:۱۳۴۶-۳۴۳).

استاد جلال‌الدین همایی در این راستا نیز از خرابی‌هایی که بر درب امام وارد گردیده است یاد کرده و می‌نویسد: بعد از عهد صفویه که موقوفات درب امام مثل سایر امامزاده‌ها و مساجد و مدارس قدیم ضبط خالصهٔ دولت یا طعمه موقوفه خواران، موضوع دعاوی و دواعی اشخاصی که برای تولیت و خادمی سر و دست می‌شکستند، و با یکدیگر منازعه و مرافعه داشتند، منتفی گردید، بقعه بی سرپرست افتاده و طبعاً رو به خرابی و ویرانگی نهاد.

جلال‌الدین همایی که در دوران کودکی و نوجوانی جهت تحصیل در آموزشگاهی که برادران قدسی (میرزا عبدالحسین و میرزا حسن) بنیان نهاده بوده و محل این مدرسه در نزدیک درب امام قرار داشته، گاه گاهی به زیارت و دیدار از فضای درب امام رفته، آورده است: اول بار که برای وارسی دقیق و نوشتن صورت کتیبه‌ها و ثبت یادداشت‌های دیگر به این بقعه، و در جوار او به مسجد سعید بن جبیر و قبرستان چملان رفتم، سنهٔ ۱۳۳۵ قمری، اواسط جنگ بین الملل اول و اوایل قحط و غلای عجیب اصفهان بود.

در آن موقع بقعهٔ درب امام مخروبه‌ای بی سرپرست افتاده و وضعی رقّت بار به خود گرفته بود. یکی از پنجره‌های طاووسی معرّق گچ بری که از عجایب صنعتی این بقعه نظیر درب منبّت کاری آل مظفّر امام زاده اسماعیل و سنگ الماس سیاه امام زاده احمد است، در محلّ خود نصب بود که بعدها در حوالی سنهٔ ۱۳۶۰ قمری موافق ۱۳۲۰ شمسی آن را به چهل ستون نقل کردند و هم اکنون، آنجا در پنجرهٔ اطاق بزرگ جنوبی تالار آیینه نصب شده است و در تابش آفتاب از شیشه‌های رنگارنگ سرو و طاووس معرّق جلوه‌ای دلفریب به خود می‌گیرد که موجب بُهت و حیرت است!

محلّ دو پنجرهٔ طاووسی دیگر که همتای این پنجره و شاید وسطی از جنبین عالی‌تر بوده، و معلوم نشد چه وقت بسرقت رفته است، خالی بود! من در بادی نظر هیچ تصوّر نمی‌کردم که این همه ریزه کاری در گچ شده باشد. خیال می‌کردم این همه نقش و نگار خیره کننده در تخته‌های نازک به سبک آلت بری و گره سازی و شیشه کاری‌های ظریف قدیم باشد، تا یکی از سادات معمّم اهل علمِ محلّ به نام میر سید درب امامی رحمه الله، که پیرمرد با اطّلاعی بود اتّفاقاً آنجا پیدا شد و چون مرا مشغول تحقیق و نوشتن یادداشت دید، پیش آمد و این نکات و بعض نکات دیگر را که از نظر ناپدید و از قلم افتاده بود، از جمله سردابهٔ قبور آل مظفر و شاه طهماسب را با محلّ‌دربچه و راه

دخول و خروج آن که همیشه مسدود و از انظار ناپدید است، نشان داد و یادآوری فرمود. معذلک در روزهای دیگر که برای ادامهٔ تحقیق و غوررسی در جزئیات آنجا رفتم، یک روز به وسیلهٔ یکی از کسبهٔ مجاور نردبانی تهیه کرده، پنجره را از نزدیک دیدم و آزمودم که این هنر عجیب به وسیلهٔ گچ بری انجام گرفته است. با همین نردبان گرد و خاک و تار عنکبوت و کثافات را از روی کتیبه‌ها پاک کردم تا آنچه باقی بود بحمدالله خوانده شد. خوشبختانه صورت بعض قسمت‌ها را که بعداً ریخته و ازبین رفته است، نگارنده در یادداشت‌های خود موجود دارم. عین این عمل و این وضع در سایر ابنیه مثل مسجد جامع و مسجد شاه و مدرسهٔ جلالیهٔ احمدآباد و بقعهٔ شهشهان و غیره پیش آمده است که در تعمیرات اوقاف و باستان شناسی احیاناً به بنده رجوع و از یادداشت‌های من استفاده کرده و گاهی از طرف خودشان یا مدّعیان بی اطلاع تصرفات بی‌جا و غلط کاری‌های عجیب مرتکب شده‌اند!

حوالی ۱۳۵۹ قمری این بقعه مورد توجه باستان شناسی قرار گرفته، تعمیری از آن کردند که از تکثیر خرابی جلوگیری کرد ولیکن «کفاف کی دهد این باده‌ها به مستی ما»(همایی، ۱۱۵:۱۳۸۴-۱۱۶)

۴. نظری بر ویژگی‌ها و معماری بنای درب امام

بنای تاریخی امامزادگان درب امام از دو گنبد بزرگ و کوچک و یک سر درب بزرگ کاشیکاری از دوره جهانشاه قراقویونلو که در ضلع شمالی آن واقع است و سه صحن در سه جانب شمالی، شرقی و غربی آن تشکیل شده است. نمای خارجی این بنا به جانب هر سه صحن دارای تزیینات کاشیکاری و گچ بری است و هر دو گنبد آن مخصوصاً گنبد بزرگتر از کاشی‌های نفیس پوشیده شده است. پس از مسدود شدن درب اصلی که در میانهٔ صحن شمالی مربوط به قرن نهم هجری قرار دارد سالیان سال درب ورودی در صحن شرقی بوده است که البته گاه گاهی این درب کماکان نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین دهلیزی که سر درب شمالی را به داخل بقعه مربوط می‌کرده است از طرف سر درب اصلی آن مسدود شده و به جای آن درب ورودی، پنجره‌ای نصب شده است.

مرحوم دکتر لطف الله هنرفر در اثر نفیس خود کتاب «گنجینه آثار تاریخی اصفهان» در توضیح و ترسیم اجزاء و بناهای تاریخی بقعهٔ درب امام مطالبی آورده است که با برخی تصحیحات و تغییرات متن و حواشی آن در اینجا نقل می‌گردد:

۴-۱. گنبدهای درب امام (بزرگ و کوچک) و تزیینات و کتیبه‌های آن

تاریخ ساختمان دو گنبد بزرگ و کوچک درب امام متفاوت است. گنبد بزرگ، معماری قرن نهم هجری و زمان ساختمان بقعه است که پوشش کاشیکاری آن در دوره سلطنت شاه عباس اول تعمیر یا تجدید شده و بانی این اقدام شخصی به نام (غیاث الدین محمود الحسینی المستوفی) بوده است.[۱] کتیبه این گنبد به خط ثلث سفید معرّق بر زمینه کاشی لاجوردی شامل سوره (دهر) تا آخر آیه سیزدهم این سوره است و قسمت آخر کتیبه به عبارات زیر خاتمه می‌یابد:

۱. به نوشتهٔ مرحوم دکتر لطف الله هنرفر در پاورقی کتاب گنجینهٔ آثار (ص ۳۴۶): از تعمیر دوره شاه عباس اول هم در سنوات اخیر قسمت قابل ملاحظه‌ای باقی نمانده بوده است و قسمت عمده کاشیکاری فعلی از اقدامات اداره باستان شناسی است که تاریخ تعمیر آن در یک سطر عمود بر کتیبه دور گنبد به خط نستعلیق سفید بر زمینه لاجوردی به این ترتیب ذکر شده است: «بسرپرستی مهندس روانبد تعمیر شد ۱۳۲۵»

«فی ایام الدولة السلطان الاعظم و الخاقان الاکرم ابی المظفر عباس الحسینی ـ الموسوی الصفوی بهادرخان خلدالله ملکه و قد اوفق هذا الداعی غیاث الدین محمود الحسینی المستوفی کاتب ۱۱۰»[۱]

خطوط بنائی گردنه گنبد در دو سطر با کاشی لاجوردی رنگ بر زمینه آجری بشرح زیر است:

در سطر اول جمله: (الحمدلله) تکرار شده و در سطر دوم به خط بنایی سه رگی لاجوردی سوره (اخلاص) نوشته شده است.

بنای درب امام ابتداء فقط حرمی بوده که روی آن گنبدی و جلوی آن دهلیزی قرار داشته است و ساختمان آن در سال ۸۵۷ هجری هنگام پادشاهی جهانشاه قراقویونلو به انجام رسیده است. بعداً قبور متعددی در اطراف مرقد امامزادگان احداث شده و به قدری زیاد شده که دهلیز جلوی بقعه نیز مدفن اموات گردیده و به جای درب سابق اصلی آن پنجره‌ای نصب شده است و در سال ۱۰۸۱ هجری یعنی در عصر سلطنت شاه سلیمان صفوی گنبد کوچکی نیز بر فراز رواق مزبور که به این ترتیب جزء مقبره شده بوده ساخته شده است.

کتیبه گنبد کوچک درب امام که به خط محمدرضا امامی و مورخ به سال ۱۰۸۱ هجری است به خط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی پس از عبارت (قال الله سبحانه تبارک و تعالی) شامل (آیة الکرسی) است و در قسمت آخر پس از ذکر آیه ۲۶ و ۲۷ سوره (آل عمران) تاریخ اتمام و نام خطاط آن به شرح زیر آمده است:

«فی احدی و ثمانین و الف کتبه محمدرضا الامامی.»

کتیبه گردنه گنبد کوچک به خط بنایی سه رگی با کاشی لاجوردی بر زمینه آجری به شرح زیر است: «لمن الملک الیوم لله الواحد القهار»(هنرفر، ۳۴۶-۱۳۵۰: ۳۴۷).

در داخل گنبد بزرگ درب امام که ضریحی بر آرامگاه دو امامزاده قرار دارد دیوارها و سقف آن با تزیینات نقاشی گل و بوته آراسته شده است و ازاره‌های اطراف حرم با کاشی‌های خشت هفت رنگ تزیین شده ولی هیچ نوع کتیبه‌ای در حرم وجود ندارد.

تا چندی پیش درب ورودی حرم دارای زنجیر نفیسی بود که بر دایره برنجی وسط آن به قطر ۱۱ سانتیمتر کلمات و عباراتی منقور بوده است. این زنجیر را در قرن سیزدهم هجری شخصی به نام آقا محمدحسن تاجر همدانی وقف بر امامزاده نموده بود. عبارات حاشیه دایره برنجی به خط نستعلیق برجسته به شرح زیر بوده است:[۲]

«وقف حضرت امامزاده زین‌العابدین نمود عالیشان آقا محمدحسن تاجر همدانی این زنجیر را، طمع کننده بلعنت خدا و نفرین رسول گرفتار شود.»

عبارت متن دایره برنجی زنجیر شامل اسماء الله بوده است: «یا سلطان»، «یا سبحان»، «یاقاضی الحاجات»، «یا منان» و نیز به خط نستعلیق برجسته این عبارت را دربرداشته است: «بتاریخ بیست و ششم شهر جمادی‌الاول سنه ۱۲۷۰»(هنرفر، ۱۳۵۰: ۳۴۷-۳۴۹).

---

۱. عدد (۱۱۰) در آخر این کتیبه مفهوم نشد. محتمل است این عدد (۱۰۱۰) بوده که برابر با چهاردهمین سال سلطنت شاه عباس اول و تعمیر پوشش خارجی گنبد بوده است. (ر.ک: گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان، پاورقی، ص ۳۴۶)

۲. بسیار جای تأسف و تعجب است که آثار متعددی از ابنیه تاریخی حتی از اماکن متبرکه به این راحتی به یغما می‌رود و متولیان و یا نهادهای مرتبط پاسخگو نیستند.

۴-۲. اشعار و تزیینات جبههٔ شمالی بقعهٔ درب امام

قسمت شمالی مرقد دهلیزی قرار دارد که راه ورودی اصلی مقبره از سر در کاشیکاری دوره جهانشاه بوده است و به اطاق مربع شکلی منتهی می‌شود. در این اطاق صورت قبوری وجود دارد و گفته شده است که مادر جهانشاه قراقویونلو هم در همین محل دفن گردیده، سقف اطاق واقع در دهلیز که گنبد کوچک درب امام بر فراز آن بنا شده دارای مقرنس‌های گچی و طلاکاری و پنجره‌های گچ‌بری شده است و در قاعده گنبد آن کتیبه‌ای در دو سطر موجود است که در سطر اول به خط کوفی طلایی رنگ بر زمینه کبود جملات: یا سبحان. یا حنان. یا منان و یا برهان نقاشی شده و در سطر دوم آن به خط ثلث طلائی رنگ بر زمینه کبود اشعاری نقاشی شده است. ابتدای این اشعار، ضلع غربی محوطه زیر گنبد است و ضمن ابیات آن به نام جهانشاه قراقویونلو و ابوالفتح محمدی سلطان[۱] که از طرف او حکمران اصفهان بوده و سال تحریر این اشعار (۸۵۷ هجری) که سال بنای درب امام است اشاره شده، اشعار مزبور به شرح زیر است:

نظام یافت بنام خدای عالمیان — عمارتی که بود رشک روضه رضوان
بنزد طاوس زر اندود و چتر این گنبد — مرقعیست کبود این رفیع شاد روان
زرشک شمسه این هشت طاق ونُه منظر — چو ذره شمسه خورشید گشته سرگردان
نهاده صبح بدین سبزه سپهر ز مهر — برای زینت این بقعه جام جاویدان
بیمن همت زین العباد و دولت شاه — بهشت روی زمین گشت ملک اصفاهان
بعهد فقد جهانشاه آن ابوالفتحی — که کرد نام خدایش محمدی سلطان
بُروج قصر جلالش از آن رفیع‌تر است — که تیر وهم رسد بر وی از کمان گمان
اجل بدست خودش داد تیغ و زد بر پای — کسی که کرد سرافراز شمس عالمیان[۲]
اگرزدنیی دون شمس الدین محمد رفت — جلال میر صفرشاه باد در دوران
تمام گشت بفضل مفتح الابواب — بسال هشتصد و پنجاه و هفت این بنیان[۳]

۱. به نوشتهٔ مؤلف «گنجینه آثار تاریخی اصفهان» در پاورقی ص ۳۴۹ و ۳۵۰: بعضی از نویسندگان این ابوالفتح محمدی سلطان را با «میرزا سلطان محمد بن بایسنقر گورکانی» که تا سال ۸۵۵ هجری قمری حکمران اصفهان و فارس بوده و در این سال در محل چناران در جنگ با برادر خود میرزا بابر اسیر شده و به قتل رسیده است اشتباه کرده‌اند. به عقیده مؤلف] مرحوم هنرفرآچون در سال نصب کتیبه تاریخی درب امام (سال ۸۵۷ هجری) میرزا محمد بن بایسنقر وجود نداشته است و اصفهان در این زمان قلمرو مستقیم حکمرانی جهانشاه قراقویونلو بوده و جهانشاه پیرو مذهب تشیع بوده، بقعه و بارگاه درب امام بنا شده است و شاهزاده «محمدی سلطان» که نام او در کتیبه آمده فرزند جهانشاه قراقویونلو است که یقیناً در آن موقع حکومت اصفهان را به عهده داشته است: به طوری که در تاریخ ضبط شده یکی از فرزندان جهانشاه «محمدی» نام داشته است که به همراهی پدر خود در لشگرکشی به بغداد در سال ۸۷۰ مأموریت قتل «امیر پیر بداق» فرزند یاغی جهانشاه به او محول شده و با اشاره او به قتل رسیده است. این «محمدی» تا آخرین روزهای حیات جهانشاه قراقویونلو همراه پدر خود بوده است و پس از آنکه جهانشاه در جنگ با حسن بیک آق قویونلو به طور ناشناس دستگیر شده و به وسیله اسکندر نامی از لشگریان وی به قتل رسیده است، حسن بیک آق قویونلو دو فرزند او «محمدی» و «میرزا یوسف» را اسیر کرده، محمدی را به ضرب تیر کشته و میرزا یوسف را نابینا کرده است:

چو دولت از آن خاندان درگذشت — یکی کشته شد دیگری کورگشت

۲. مرحوم همایی، مصرع دوم را این گونه نوشته است: کسی که کرد شهش سرفراز عالمیان (ر.ک: تاریخ اصفهان «تتمه ابنیه و عمارات، ص ۱۲۱»).

۳. بنا بر آنچه مرحوم هنرفر در پاورقی ص ۳۵۰ کتاب گنجینه آورده: گنبد کوچک درب امام در سال ۱۳۳۴ شمسی و صحن شمالی آن تا سال ۱۳۳۷ به سرپرستی مؤلف (دکتر لطف الله هنرفر) و به وسیله استادان هنرمند اداره باستان شناسی اصفهان تعمیر و کاشیکاری شده است.

۴-۳. صحن‌های غربی و شرقی درب امام

نمای خارجی بقعه و دیوارهای مجاور آن به سمت صحن غربی تزییناتی از پشت بغل‌های کاشیکاری دارد و ایوان‌های مشرف به این صحن دارای مقرنس‌های زیبای گچی است که قسمتی از آنها رنگ آمیزی شده است. در ایوان وسط این ضلع درب‌ها و پنجره‌های نفیسی نصب شده بوده است که بعضی از آنها هنوز موجود است. یکی از پنجره‌های نفیس گچ‌بری این قسمت که یقیناً نظیر آن در هیچ یک از بناهای تاریخی کشور کهنسال ایران وجود ندارد و تمامی آن از گچ ریخته شده و با شیشه‌های رنگین تزیین شده است به وسیله اداره باستان‌شناسی اصفهان با مراقبت تمام به قصر چهلستون انتقال داده شده و برای تماشای سیاحان در محل مناسبی در یکی از اطاق‌های این کاخ نصب شده است. قسمت وسط این پنجره که قبل از انتقال شکسته شده بوده است به وسیله استاد هنرمند فقید گچ‌بر اصفهان (استاد نصرالله رفائیل) به طوری ماهرانه تعمیر شده است که با کارهای اصلی آن هیچ‌گونه تفاوتی ندارد.[1]

کتیبه فوقانی نمای خارجی بقعه به سمت صحن شرقی شامل دو ردیف خط بنائی است:

ردیف اول به خط بنائی ساده، یک رگی لاجوردی بر زمینه آجری شامل صلوات بر چهارده معصوم(است و در ردیف دوم به خط بنائی سه رگی مشگی بر زمینه آجری عبارات زیر نوشته شده است:

«بسم الله الرحمن الرحیم سبحان الله والحمدلله و لا اله الا الله والله اکبر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم. شهد الله انه لا اله الا هو و الملائکة و اولواالعلم قائماً بالقسط.»

حاشیه پشت بغل ایوان ورودی در صحن شرقی به خط بنائی با کاشی لاجوردی بر زمینه کاشی سفید شامل (آیة الکرسی) است و به این عبارت ختم می‌شود: «والصلوة والسلام علی محمد المصطفی سید المرسلین و حبیب اله العالمین ۱۲۰۶»(هنرفر، ۱۳۵۱:۱۳۵۰-۳۵۲).

۵. نظری بر وضعیت فعلی فضای امامزادگان درب امام

پس از توصیفات برگرفته از اثر ارزشمند مرحوم دکتر هنرفر که هنوز نیز پس از گذشت حدود شش دهه از تألیف آن، مطالب رسا و ارزشمند است، بجز برخی تغییرات و تعمیرات جزیی، این بنای مهم معنوی و هنری خوشبختانه عمدهٔ اصالت و عظمت خود را حفظ کرده است. برخی صدمات و دگرگونی‌ها بر اثر دخالت‌های نابجا و غیراصولی و گاهی از سوی نهادهای غیرمرتبط صورت گرفته است و این موضوع باعث تغییراتی غیرمتناسب با این فضای روحانی و معنوی گردیده است که امید است رفع گردیده و همچنان جایگاه و منزلت آن محفوظ بماند.

دگرگونی‌های صحن شمالی امامزاده از ورودی سمت سنبلستان گرفته تا خود صحن در طی چند

---

۱. پنجرهٔ مذکور در دوره تصدی مرحوم جواد مجدزاده صهبا نماینده باستان شناسی اصفهان به عمارت چهلستون منتقل شده است. مرحوم صهبا در اردیبهشت سال ۱۳۲۴ شمسی وفات نمود و در یکی از اطاق‌های مجاور بقعه بابا رکن الدین مدفون است. مرحوم استاد نصرالله رفائیل استاد گچ بر بی نظیر اصفهان که تعمیر گچ‌بری‌های محراب معروف مسجد جمعه اصفهان نیز نمونه‌ای از هنرمندی او در این فن به شمار می‌رود و سال‌های متمادی به آثار و ابنیه تاریخی اصفهان خدمت نموده است در سال ۱۳۳۷ شمسی وفات نمود و در تکیه آقا سید محمد لطیف در تخت فولاد اصفهان مدفون شده است. (ر.ک: پی‌نوشت ص ۳۵۱ گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان).

دهۀ اخیر نسبتاً محسوس بوده است. ساباطی که در ورود بوده تخریب گردیده، تالار روی ورودی که قسمتی از سقاخانه صحن در آن واقع شده نیز از بین رفته است. این مکان یعنی بالکن، جایگاهی بود که در هنگام عزاداری و یا مراسم و حضور دسته جات محل نشست و برخاست علما، فرزانگان، وعاظ، بزرگان و پیشکسوتان بود.

مسجد سعید بن جبیر هم که دربارۀ آن در اثر حاضر مطالبی آمده است و در غرب صحن شمالی واقع شده از قدیمی‌ترین مساجد ایران است که در طی زمان تغییرات و دگرگونی‌های بسیار را به خود دیده است.

در شرق صحن شمالی نیز فضای هشتی مانندی واقع شده بود که سابقاً محل سکونت بعضی از خاندان فقیه امامی از جمله منزل مرحوم آیت الله حاج آقا عطاء الله امامی و سپس سید مصطفی تجویدی بود و امروزه این فضاها تغییراتی را به خود دیده است.

شیر سنگی موجود در صحن شمالی امامزاده از زیباترین شیر سنگی‌های اصفهان از حیث ظرافت و حجاری به حساب آمده است، این شیر سنگی نیز باید متعلق به عهد صفوی باشد.

صحن شرقی دارای ورودی‌هایی است. از جمله مهم‌ترین ورودی از سوی بازارچه حمام وزیر به طرف درب امام که به کوچۀ درب امام معروف است. نمای این ورودی در سال‌های اخیر کاشی کاری شده است. دربی چوبی و دو سکوی سنگی دارد و در سمت چپ آن سقاخانه‌ای با قدمت وجود دارد. سابقاً کف صحن شرقی پوشیده از سنگ مزارات به ویژه سنگ قبرهای بسیار قدیمی بود. در حال حاضر از آن حوض کهن و باغچه‌ای کوچک که در آن درختی تناور و ریشه‌دار وجود داشت خبری نیست. البته باغچه‌ای بزرگ ایجاد شد و فضاهایی مانند سرویس بهداشتی سمت چپ این ورودی در داخل صحن شرقی احداث گردیده است.[۱] در قسمت راست صحن شرقی مسجدی کوچک و فضاهایی مسکونی از جمله خانه‌های تعدادی از سادات بدیع زاده قرار گرفته بود که منازل فعلاً متروک و تخریب گردیده است. همچنین ایوانچه‌های غرفِه مانند که در این صحن با پوشش کاشی‌های قدیمی همراه بود با کاشی‌های دیگر و جدید تزیین یافته است.

ورودی نسبتاً مختصری نیز از این صحن به طرف کوچۀ قصر سنبلان وجود دارد که در کنار آن، حمام تاریخی درب امام وجود دارد. این حمام نیز دارای سبکی سنتی بوده که در سال‌های اخیر بازسازی یا مرمت اساسی شده و تغییر کاربری یافته است و معمولاً در حال دست به دست شدن در بین برخی از گروه‌ها و یا دسته جات فرهنگی و جز آن بوده است.

در صحن مذکور (شرقی) آثار متعدد متصل به بقعه اعم از چوبی یا کتیبه‌هایی در بلندای ورودی به حرم امامزادگان به ویژه به خط بنایی وجود دارد که در سال‌های اخیر عمدتاً به همان شیوۀ قبلی بازسازی و ترمیم گردیده است.

اگرچه امروزه درب صحن شرقی که به داخل حرم مطهر امامزاده باز می‌شود معمولاً بسته است، اما سال‌های قبل بیشتر رفت و آمد به فضای حرم از این ناحیه صورت می‌گرفت. سردرب ورودی آن دارای مقرنس‌هایی زیبا است که از رنگ و رو رفته است، ایوان این ورودی کمی از سطح زمین بالاتر

۱. اهتمام بعضی از خیّرین (مانند مرحوم حاج میرزا عباس ریاحی روحی و نیز مرحوم حاج میرزا مهدی ریاحی) در احیاء و یا ایجاد فضاهایی مانند ترمیم مسجد صحن شرقی و یا ایجاد سرویس بهداشتی در آن صحن، که در سال‌های اخیر صورت پذیرفته نیز شایان ذکر است.

واقع شده است و مساحت آن تقریباً ۲ × ۴ می‌باشد. دربی چوبی به اندازه ۲/۵ × ۱ که دارای کوبه است، در این صحن سنگابی نیز وجود دارد.

از طرف جنوب غربی صحن شمالی یک ورودی جهت صحن غربی امامزاده واقع شده است که در شرق این صحن (غربی) دیوارهای آجری مشبک با ایوان‌هایی دارای مقرنس زیبا و متصل به عمارت اصلی امامزاده و بقعه وجود دارد. در سمت غربی صحن مذکور نیز تعدادی خانه‌های دارای قدمت واقع شده که بعضی متعلق به خاندان متولی امامی (از جمله مرحومین پهلوان حسین و برادرش شهید حاج حسن) قرار داشته است. این صحن دارای فضای سبز یا باغچه‌ای دارای درختانی بلند می‌باشد. ساباطی قدیمی یا کوچه‌ای دالانی مانند در غرب این صحن مسیری را به سنبلستان مرتبط می‌نماید.[۱]

در چند سال اخیر متأسفانه کاشی‌های بسیاری چه در صحن شمالی و به ویژه دو گنبد امامزادگان درب امام چه گنبد بزرگ و یا کوچک، حالت پف و تورم یافته و به صورتی محسوس در حال ریزش است، گنبدها حالت دوپوش دارد.

در بررسی ویژگی‌های گنبدخانه درب امام آمده است: از تمهیدات به کار رفته در گنبدخانه بنای درب امام، همچنین می‌توان به بینش معمار نسبت به مسائل فنی و اجرایی ساختمان پی برد. درواقع، معمار سنتی با نگرشی کل نگر سازه را به مثابه معماری و معماری آمیخته با سازه می‌انگاشته، به طوری که از شیوه کاربست یا کاربندی که خود در پوشش فضای مذکور جنبه ساختمانی و اجرایی دارد، در تزیین و آراستگی و فضاسازی بنا بهره برده است (سازمان اوقاف و امور خیریه،۱۳۹۳: ۲۱۳).

فضای حرم یا جایی که ضریح در آن واقع شده ۷ × ۷ متر است و یک قسمت آن دارای فرورفتگی به سمت صحن شمالی نیز ۶ × ۱ می‌باشد. طول و عرض ضریح چوبی مشبک ۳/۲۰ × ۳ و ارتفاع آن ۲ متر می‌باشد. سه درب چوبی نیز در طرف غرب نصب شده که درب میانی آن از نفاست خاصی بهره‌مند است.

روبروی درب مسدود شده صحن شمالی که پنجره‌ای چوبی نصب شده، فضای مقبره مادر سلطان بزرگ ترکمان یعنی جهانشاه قراقوینلو بوده است که در حال حاضر بر زیر آن بقعه، مقبرهٔ آقا سید ابوتراب مرتضوی درچه‌ای واقع شده است. فضای زیر طاق با مقرنس‌های بسیار زیبا، چهارگوش و رنگ آمیزی فوق‌العاده بوده که بازسازی یا ترمیم ناشیانه‌ای بر آن صورت گرفته است و دیوارهای آن نیز دارای نقوش یا نوشته‌ها و نگاشته‌های (یادگاری نویسی) بوده که با گچ پوشیده شده است. همچنین کاشی‌ها و یا ازاره‌های نفیس آن هم دارای خطوط طلایی بوده که تدریجاً سترده شده است.[۲]

در ترسیمی کلی از فضای مجموعه و بقعه درب امام چنین نتیجه گرفته شده است: با نگاهی ترکیبی به اصول معماری و ویژگی‌های سازه‌ای، و برخی جنبه‌های زیباشناسی آن، براساس قواعد فنی و ساختمانی، می‌توان به این مهم دست یافت که ترکیب فضایی مجموعه درب امام از نوعی بی‌نظمی حکایت می‌کند که در عین نظم و قاعده‌مندی است. چنان که تصور عینیت یافتن بنایی

۱. یادداشت‌های نگارنده اثر حاضر «بنای درب امام».
۲. ـ یادداشت‌های نگارنده اثر حاضر «بنای درب امام».

با محدودیت‌های ساختمانی و مصالح (فشاری)، به دوره‌ها و اعصار گذشته بدین ترتیب سلب می‌گردد. اما چنان که مشهود است بنا، با نگرشی خلاقانه و مبتکرانه بر دیدگاهی جامع نگر مبتنی است؛ نگرشی که حاکی از تعریف هنر به صورت تبدیل تهدید به فرصت و فرصت به امکان است و از جهان بینی اسلامی معمار آن منتج می‌شود. به عبارت دیگر معمار بنای درب امام جنبه‌های سازه‌ای و فنی بنا را در راه نیل به فضایی زیبا و با کیفیت به خدمت گرفته و قناسی‌ها و ناموزونی‌ها در آرایش جرزها را که درواقع تهدیدی بوده است نهایتاً به فرصتی برای بروز و ظهور جنبه‌های زیبایی شناسانه طراحی فضا بدل نموده است و در نیل به این هدف نه مسائل فنی و نیارشی را نادیده گرفته و نه کیفیت‌های فضایی را قربانی فنون و روش‌های ساخت نموده است. بلکه با درآمیختن هر دو توانسته است فضایی بیافریند که از چشم بیننده ناموزونی‌ها، به دور بماند و فضا در نظر او به صورت یکدست و با نظمی سنجیده جلوه‌گر شود (سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۹۳:۲۱۴).

۵-۱. مسجد سعید بن جبیر

بنابر تصریح اکثر مورخین و یا کسانی که دربارهٔ تاریخ اصفهان مطالبی را نوشته‌اند خصوصاً متقدمین از آنان، اولین مسجدی که در اصفهان بنیان گرفت مسجد شعیا در محلهٔ خشینان (خوشینان) بود، همین جایی که امروزه مقبره شعیای نبی و آرامگاه امامزاده اسماعیل واقع شده است.

اما در زمرهٔ نخستین مساجد این شهر باید از مسجد سعید بن جبیر در سنبلان و در صحن شمالی درب امام یاد نمود. این مسجد را ابتدا مسجد جلجله یا «جلجلة بن بدیل تمیمی» نامیده‌اند. آنچه بدست می‌آید بجز انجام فرایض دینی و اقامهٔ نماز در زمانی که سعید بن جبیر در اصفهان اقامت داشت گروهی از مشایخ آن زمان این شهر نیز در این مکان، از خدمت او بهره علمی برده و یا استماع حدیث نموده‌اند.

با توجه به اشاره یعقوبی در «البلدان»(یعقوبی، ۱۳۸۷: ۴۱) و این که برخی از مهاجرین اعراب در فتح اصفهان (سال‌های ۱۹ تا ۲۳ ق) از جمله افرادی از قبیله بنوتمیم در این شهر سکونت نموده‌اند و وجود مسجدی به نام تمیمی‌ها (جلجلة بن بُدیل تمیمی)، باید سنبلان را جزو محلات مهاجرپذیر آن زمان دانست و به احتمال بسیار بنای اولیه مسجد متعلق به نیمهٔ نخست قرن اول هجری بوده است، البته با مدتی حضور و یا استقرار سعید بن جبیر در نیمهٔ دوم همان قرن، تاکنون نیز این مسجد به نام او موسوم است.

برخی کاوش‌ها حکایت از آثاری از دورهٔ سلجوقی در مکان مسجد دارد. «لیزا گُلمبک» در این رابطه آورده است: اعتقاد بر این است که حیاط شمالی] درب امام[شامل بقایای یک مسجد قدیمی مورد احترام بوده است، حفاری‌های مجاور، آجرهای کتیبه‌داری را ارائه داد که احتمالاً مربوط به دورهٔ سلجوقی بوده است (گلمبک و ویلبر، ۱۳۷۴: ۵۴۴).

درب قدیمی و کهنی از این مسجد وجود دارد و این طور می‌نماید که متعلق به قبل از عهد صفویه است. مرحوم همایی نیز درب مذکور را متعلق به سده‌های هشتم یا نهم هجری می‌داند. در سال ۱۱۲۳ ق در زمان شاه سلطان حسین صفوی نیز در این مسجد تعمیرات و تزییناتی صورت گرفته است.

مساحت مسجد سعید را ۱۰× ۸ ذرع دانسته‌اند که حدود ۱۰۰ متر می‌شود. از جملهٔ ائمهٔ جماعت این مسجد عالم وارسته و واعظ متعظ مرحوم آقا سید محمود درب امامی مشتهر به «صدوق الواعظین» بوده است و برخی دیگر از امامان جماعت آن تاکنون عبارت بوده‌اند از آقایان حجج اسلام: محمدحسین فقیهی، سید ابراهیم موسوی زاده، محسن کرمانی و محمد فقیهی سرشگی.

در اتفاقات و حوادث مربوط به انقلاب و قبل و بعد از آن نیز فعالیت‌هایی در این مسجد وجود داشته است از جمله جلسات مربوط به آموزش‌های قرآن کریم و موضوعات عقیدتی و سیاسی (همایی، ۱۳۹۰:۱۸۸؛ بهشتی نژاد، ۱۳۹۳: ۱۶۵-۱۶۶؛ ریاحی،۱۳۹۱: ۴۱؛ همایی، ۱۳۸۴، ج ۳: ۲۲۷).

۵-۲. سقاخانه‌های درب امام

سقاخانه‌های مربوط و متعلق به صحن و محدودهٔ امامزادگان درب امام از جمله آثار تاریخی و نفیس آن به شمار آمده‌اند که البته در دهه‌های گذشته به دلیل متروک ماندن و یا بی‌توجهی از صورت فعال درآمده و کم کم رو به فرسودگی رفته و از سه سقاخانه موجود نیز یکی در سال‌های قبل و به دلیل تعریض کوچه کاملاً محو گردیده است:

۵-۳. سقاخانه دالان صحن شرقی درب امام

سقاخانه دالان درب امام که در ورودی صحن شرقی از طرف کوچه‌ای که از بازارچه وزیر به سوی درب امام منتهی می‌شود واقع شده است؛ سابقاً مورد توجه زائران و محل نوشیدن آب و گذاردن آب و یخ از ناحیه مردم و اهل خیر بوده است.

بیش از دو دههٔ پیش نویسندهٔ کتاب «سقاخانه‌ها و سنگاب‌های اصفهان» این سقاخانه را این گونه توصیف نموده است: در دالان ضلع شرقی محوطهٔ درب امام سقاخانه بزرگی با سردری از پنج و هفت کُند هندسی به رنگ سبز وجود دارد که حفاظ و درهای چوبی آن دارای شبکه‌های ستاره‌ای هشت پرگره جعفری است. داخلش را یک حلقه چاه آب با چرخ آبکشی و تکیه گاه آبکش و سنگابش تشکیل داده و نیز پنجره‌ای خانه زنبوری رو به محوطه دارد. بخشی از گره چین پنجره اُرسی میانی که خراب شده بود، بازسازی شده است (رادمهر، ۱۳۸۷: ۸۳-۸۴).

۵-۴. سقاخانه صحن شمالی

کتاب مذکور در جایی دیگر در توصیف این سقاخانه آورده است: در نبش چپ کوچه شمالی صحن، سقاخانه پهن و نسبتاًکوتاهی است که با قابی آجرچین از بالا و طرفین محدود گشته و سردرش دارای نقش پی در پی خورشید روی کاشی است. حفاظ و در چوبی‌اش دارای ده بخش چهارگوش است و هر بخش از شبکه‌های ستاره‌ای گره آلت جعفری پدید آمده و در چند سال پیش بازسازی شده‌اند.

روی سنگاب مشرف بر زمین، کتیبه‌ای به خط نستعلیق برجسته بر سنگ پارسی به شرح زیر نوشته شده و برخی واژه‌ها ناقص و یا از میان رفته‌اند:

آنکه‌باشدقاتلش‌درهردوعالم‌روسیاه — ازدل‌سنگ‌آه‌برمی‌خیزدازقتل‌حسین
...ت‌زآب‌عمرابدزان‌روکه‌هست‌آب — حیـــــوان‌پیش‌اوبی‌قدرتـــرازخاک‌راه
(همان: ۸۴)

* * *

همان طور که آمد سقاخانه‌ای دیگر نیز موجود بود که اکنون تخریب و اثری از آن باقی نیست. این سقاخانه دارای کتیبه‌ای تاریخی بود که در این مورد نقل شده است: در انتهای کوچه‌ای که صحن شمالی آرامگاه را به کوچه مجاور آن مربوط می‌نماید بر دیوار رو به روی کوچه، سقاخانه‌ای کوچک است که دارای سردر کاشیکاری با نقش ستاره چهار پرآبی رنگ است و حفاظی از آهن به رنگ آبی دارد. کتیبهٔ سنگاب آن به خط نستعلیق برجسته بر سنگ پارسی بدین شرح است: (وقف حضرت امام حسین (نمودند. این سنگ آب را ورثه مرحوم حاجی حیدر به این مشروط که در امامزاده زین‌العابدین در جنب خانه کمترینان باشد. بتاریخ غره شهر ربیع‌الاول سنه ۱۱۱۷)(همان: ۸۴-۸۵).

لازم به ذکر است که در برخی ایام و لیالی از جمله شب‌های جمعه و مواقعی در ماه‌های رمضان، محرم و صفر در این سقاخانه‌ها شمع روشن کرده و یا نذوراتی را قرار داده‌اند.

۵-۵. حمام درب امام

بجز حمام وزیر از دیگر گرمابه‌های تاریخی محلهٔ درب امام، حمام درب امام است. کتیبه و یا نشانه‌ای که در حال حاضر زمان دقیق ایجاد این اثر را ثابت کند وجود ندارد ولی قدر مسلم از زمان‌هایی که درب امام مکان زیارت بوده از امکاناتی مانند محل نظافت یا حمام بهره‌مند بوده است. با توجه به برخی اقوال، زمانی که زائران مسافر و یا کسانی که خود را برای زیارت امامزاده و یا ورود به بقعه مهیا می‌کردند وقتی که به درب امام می‌رسیدند غسل زیارت نموده و سپس داخل می‌شدند. البته با توجه به این که امامزادگان درب امام در یکی از کهن‌ترین سکونت‌گاه‌های اصفهان واقع شده است و معمولاً محلات نیز برخوردار از گرمابه بوده‌اند بنابراین حمام درب امام هم باید دارای قدمتی قابل توجه باشد.

درواقع گرمابه علاوه بر مسئلهٔ تنظیف، با توجه به فضای بزرگ و وسعت آن باعث نشاط و روح افزایی می‌شد. در این گونه اماکن افرادی نیز به نوبهٔ خود عهده‌دار کار و یا وظایفی بودند، از استاد حمامی گرفته تا بقیه مانند: جامه دار، دلاک، آبگیر، آبکش، تونتاب و دیگر اشتغالاتی که مربوط به محیط حمام می‌گردید.

حمام درب امام به عنوان فضای مورد استفادهٔ عموم به ویژه افراد محلی تا دههٔ شصت (۱۳۶۰) فعالیت داشته است. سپس بر اثر تخریب تدریجی، غیر قابل استفاده می‌گردد. بعد از آن با همکاری نهادهایی مانند شهرداری، اوقاف و میراث در دههٔ هشتاد و پس از آن به شیوه و یا سبک سنتی احیاء می‌شود و به صورت کتابخانه، تالار (سالن) مطالعه و نیز محل تشکیل جلسات و کلاس بوده و می‌باشد. ضمن این که هرچند وقت یک مرتبه در اختیار نهادهای فرهنگی و مؤسسات مذهبی

قرار گفته است.[۱] به نوشتهٔ برخی منابع، طول و عرض این حمام ۳۰ × ۲۰ می‌باشد (جناب، ۱۳۷۱: ۹۲؛ لطفی و مسجدی، ۱۳۹۰: ۲۹۳).

۵-۶. شیر سنگی درب امام

شیرهای سنگی تندیس‌هایی از جنس سنگ هستند که در مناطق مختلف ایران به ویژه اقوام و ایلات، خاصه بر روی مقابر بزرگان از شجاعان و پهلوانان نصب می‌شده است و درواقع شیر به عنوان نماد پیروزی، قدرت، دلاوری و نجابت تلقی شده است.

در شهر اصفهان به خصوص از دورهٔ صفویه تعدادی شیر سنگی وجود داشته که البته در این زمان بعضی از آنها موجود است که از جملهٔ آن‌ها شیر سنگی موجود در صحن شمالی امامزادهٔ درب امام می‌باشد. به نوشتهٔ مرحوم همایی: این مجسمه‌ها علاوه بر هنر تزیینی و حجاری ماهرانه که از جنس ریگ‌های بسیار بزرگ کمیاب و با نهایت دقت و ظرافت حجاری شده است، فواید مهم تاریخی مربوط به سنن، عادات و آداب قدیمی ملی ما را هم دارد که مربوط به شئون ورزشی و پهلوانی، شجاعت، فداکاری و شهادت در راه میهن، جوانمردی و حُریت است (همایی، ۱۳۸۴: ۳۶۹-۳۷۰).

وی این شیر را جزو آن دسته شیرهای سنگی سالم و پابرجا باقی مانده دانسته است که در نهایت زیبایی و ظرافت حجاری شده و نقوش زیبایی روی آن ایجاد شده است. او معتقد است که بقای این گونه آثار در مدت چندین قرن فقط در نتیجهٔ اعتقاد و ایمان مردم بوده است که جرئت شکستن شیر سنگی و ربودن الواح مقابر را نداشته‌اند (همان: ۳۷۴).

مرحوم همایی در جایی دیگر؛ شیر صحن شمالی درب امام را متعلق به قبر یکی از پهلوانان و سردستهٔ شجاعانی می‌داند که احتمالاً در یکی از وقایع به قتل رسیده باشد (همایی، ۱۳۸۴: ۱۲۶).

صحن شمالی درب امام را به دلیل وجود شیر سنگی در آن، صحن شیری هم گفته‌اند. به نقل یکی از اهالی محلهٔ درب امام در این مورد آمده است: در ایام کودکی و زمانی که در آن محله سکونت داشتیم شاهد بودم خانم‌هایی را که از زیر این شیر سه مرتبه رد می‌شدند، با چه سختی و سپس یک تکه نبات دهن شیر می‌گذاشتند. علت را که پرسیدیم گفتند این جا قبر یک پهلوانی است که حاجت‌های مردم را برآورده می‌کند و برخی از زنانی که حامله نشده‌اند به نیت بچه‌دار شدن سه بار این عمل را انجام می‌دهند.[۲]

به گفتهٔ یکی از ساکنان قدیمی محله: قدیم، صبح به صبح که به امامزاده می‌آمدیم در دهان شیر سنگی نُقل بادام، نشان از تولد نوزاد پسر و شکرپنیر نشان از تولد نوزاد دختر بود ().[۳] البته شکی نیست آمیختگی خرافات با بعضی آداب و اعتقادات نیز نابهنجاری‌هایی فکری را در پی خواهد داشت.

۱. به نقل از آقای سید امین الله بدیع زادگان در تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۶ و نیز آقای سید حسین توفیقی در تاریخ ۱۴۰۰/۴/۱۳.
۲. یادداشت‌های خانم «زهرا شهیر» دربارهٔ درب امام.
۳. ر.ک: اصفهان امروز (امامزاده درب امام، قلمرو تاریخ، مذهب و باورهای مردم شناسانه)

نتیجه‌گیری

۱ . امامزادگان مدفون در محلهٔ سنبلان (سنبلستان) اصفهان موسوم به آستان مقدس درب امام از جمله امامزاده‌های مشهور و صحیح‌النسب به حساب آمده و بقعهٔ آنان از سده‌های نخستین هجری و پس از آن همواره مورد تکریم و زیارت خاص و عام بوده است.

۲. از مدفونین در این مزارات یکی از نوادگان زید بن حسن یعنی ابراهیم بطحانی می‌باشد. وی که از رجال متنفذ و مشاهیر زمان خود بوده، مدتی به عنوان رئیس مدینه طیبه و دارای مناصب و امارات بوده است.

۳ . ابوالحسن زین‌العابدین علی از نسل علی بن جعفر ﷺ و جدّ سادات بسیاری است که در ایران و مناطق دیگری از جهان اسلام زیسته‌اند. جایگاه علی بن جعفر ﷺ خصوصاً در همراهی با برادرش امام موسی کاظم ﷺ ستودنی است. وی از اعاظم سادات و علمای زمان خود محسوب گردیده است. پس از وفات ابوالحسن زین العابدین تعدادی از سادات عریضی در محلهٔ سنبلان سکونت نموده که سادات امامی اصفهان از آن جمله می‌باشند و به این محل عنوان درب امام اطلاق گردید.

۴ . سادات ساکن در درب امام در ادوار متعدد تاریخی از مقام والایی در امور معنوی و مذهبی از جمله نقابت برخوردار و در امور مهم اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هم جایگاه مهمی داشته‌اند.

۵ . محلهٔ سنبلان (سنبلستان) از قرون اولیهٔ هجری، محلی برای آمد و شد بزرگان علمی و مشایخ بوده است. از جمله ایجاد مسجد سعید بن جبیر در قرآن اول هجری و اندکی قبل از آن بنای مسجد جُلجلة بن بُدیل تمیمی بود که این مسجد کوچک اکنون در ضلع غربی صحن شمالی درب امام واقع شده است. سعید بن جبیر (شهادت: ۹۵ ق) مدتی در این محل اقامت داشته و افرادی زیاد از منسوبین به این محله (سنبلان) و سایر محله‌های اصفهان از او سود جسته‌اند ضمن این که نام مشاهیری از این محله در کتاب‌ها و تذکره‌های تاریخی ثبت و ضبط می‌باشد

۶ . ویژگی‌های معماری و بنای درب امام در عصر جهنشاه قراقویونلو دگرگون شده است. اثر مهم این دوره یکی مسجد کبود تبریز و دیگری همین بنای بقعه درب امام است.

۷ . تاریخ ساختمان دو گنبد بزرگ و کوچک درب امام متفاوت است، گنبد بزرگ، معماری قرن نهم هجری می‌باشد که زمان ساختمان بقعه است و کاشی کاری آن در دورهٔ شاه عباس اول صفوی تعمیر و تجدید شده است. در این بنای متبرک و نفیس آثاری از خوشنویسان از جمله محمدرضا امامی به چشم می‌آید.

۸ . در سمت شرقی سردر اصلی، سردر تاریخی دیگری واقع شده است که کتیبه‌های آن حاکی از اقدام سلطان حسین صفوی نسبت به تعمیر بقعه درب امام و ساختمان رواق شرقی آن می‌باشد. در زیر گنبد بزرگف ضریحی قدیمی چوبی بر آرامگاه امامزادگان قرار دارد و دیوارها و سقف‌های داخلی را با تزئینات نقاشی و گل و بوته آراسته‌اند ولی هیچ کتیبه‌ای در حرم وجود ندارد. درب ورودی حرم دارای زنجیر بسیار نفیسی بوده است که بر دایرهٔ برنجی وسط آن به قطر ۱۱ سانتی متر، کلمات و عباراتی منقور و متعلق به قرن سیزدهم هجری بوده، متأسفانه این زنجیر در سال‌های اخیر مفقود گردیده است.

۹ . این بنا درب‌ها و پنجره‌های نفیسی داشته که بعضی هنوز موجود است. یکی از پنجره‌های آن که دارای گچ‌بری ظریفی بوده و تمامی آن از گچ ریخته و با شیشه‌های رنگین تزیین شده است، جهت مراقبت به کاخ چهلستون انتقال یافته است.

۱۰ . در صحن شمالی آثاری از جمله بالکنی واقع شده بود که امروزه موجود نیست، ضمن آن که در گذشته آثاری از مقابر شخصیت‌های معنوی، علمی و هنری و رجال سیاسی وجود داشته که امروزه چندان معلوم و مشخص نیست. شاهزادگان آل مظفر، جمال‌الدین محمد بن عبدالرزاق اصفهانی، مادر جهانشاه قراقویونلو، شاه طهماسب اول صفوی، میرزا احمد نیریزی و برخی دیگر.

۱۱ . از جمله سنت‌ها و آدابی که در آنجا برخی به آن اهمیت می‌دهند نذر نان و ماست است که از گذشته‌های دور تاکنون در این مکان رایج بوده است. همچنین شیر سنگی در صحن شمالی امامزاده، زیباترین شیر سنگی‌ها اصفهان از حیث ظرافت و حجاری به حساب می‌آید.

۱۲. درب امام همواره مورد توجه بسیاری از اهل فضل و شخصیت‌های معنوی بوده است. به طوری که قبل از انتقال جنازه شیخ بهاءالدین عاملی به مشهد رضوی(و گویا حسب وصیت وی مدتی در این امامزاده به امانت گذاشته شده است.

۱۳ . از آنجایی که این میراث ارزشمند معنوی، مذهبی، فرهنگی و هنری در چند دههٔ اخیر به شدت رو به تخریب بوده و می‌باشد و بعضی از آثار و بناهای آن از جمله کاشی‌های گنبد در حال فروریزی و انهدام است و همچنین برخی مکان‌های دیگر صحن و بقعه نیز آسیب‌پذیر شده است، بنابراین اهتمام سریع و جدی مسؤولان محترم اوقاف و میراث فرهنگی در رفع نابسامانی‌ها و جلوگیری بیشتر از تخریب را می‌طلبد، ضمن این که مرمت‌ها نیز باید اصولی و با مهارت تمام صورت پذیرد.

کتاب‌نامه

ابو اسماعیل، ابراهیم بن ناصر (۱۳۷۲). ***منتقلة الطالبیین (مهاجران آل ابوطالب)***، بانضمام کشف الارتیاب از آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، ترجمهٔ: محمدرضا عطایی، چاپ اول، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

افندی، میرزا عبدالله (۱۳۷۵). ***ریاض العلماء و حیاض الفضلاء***، ج ۴، ترجمه: محمدباقر ساعدی، چاپ اول، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس.

افندی، میرزا عبدالل (۱۴۰۱ ق). ***ریاض العلماء و حیاض الفضلاء***، تحقیق: احمد حسینی، کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی.

بهشتی نژاد، سید محمد علی (۱۳۹۳). ***ائمه جماعت مساجد اصفهان***، چاپ اول، اصفهان: کانون پژوهش.

جابری انصاری، میرزا حسن خان (۱۳۷۸). ***تاریخ اصفهان***، تصحیح و تعلیق: جمشید مظاهری، اصفهان: مشعل.

جناب، میر سید علی (۱۳۷۱). ***الاصفهان***، به اهتمام: عباس نصر، چاپ دوم، اصفهان: امور فرهنگی شهرداری و انتشارات گلها.

چهارسوقی، میرزا محمدهاشم (۱۳۳۲). ***میزان الانساب (در شرح حال امامزاده‌های معتبر شهر اصفهان)***، قم: چاپخانه حکمت.

حسینی، سید حسن (۱۳۷۹). ***اطلس تاریخی سادات ایران (سادات اصفهان)***، چاپ اول، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.

حموی، یاقوت (۱۳۹۹ ق). ***معجم البلدان***، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

دانشنامهٔ اسلامی (سایت اهل بیت).

رادمهر، منصور (۱۳۸۷). ***سقاخانه‌ها و سنگاب‌های اصفهان***، چاپ اول، اصفهان: گل‌ها.

ریاحی، محمد حسن (۱۳۹۱). ***پیشوایان معرفت***، اصفهان: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

ریاحی، محمد حسن (۱۳۷۳). ***طبیب جسم و جان (زندگی نامه حکیم میرزا علی آقاشیرازی)***، اصفهان: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

ریاحی، محمدحسن و همکارن (۱۳۹۲). ***شهری بر هامون نهاده***، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.

ریاحی، محمدحسین (۱۴۰۰). ***نگین اصفهان، ج ۲ (محله‌های شهشهان، سنبلستان و سرچشمه)***، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.

سازمان اوقاف و امور خیریه (۱۳۹۳). ***چونان دری گشوده به بهشت (مجموعه مقالات: بررسی جلوه‌های معماری آستان مقدس امامزادگان ﷺ)***، تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه.

سپنتا، عبدالحسین (۱۳۴۶). ***تاریخچه اوقاف اصفهان***، اصفهان: انتشارات اوقاف اصفهان.

شاردن، ژان (۱۳۷۹). ***سفرنامهٔ شاردن (قسمت اصفهان)***، ترجمه حسین عریضی، اصفهان: گل‌ها.

شاملو، ولی قلی بن داوو (۱۳۶۸). ***قصص خاقانی***، تصحیح: حسن سادات ناصری، تهران: انتشارت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

شیبانی، ابن فوطی (۱۴۱۶ ق). ***مجمع الآداب فی مجمع الالقاب***، تحقیق: محمدکاظم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
شیخ مفید (۱۴۱۳ ق). ***الارشاد***، قم: مؤسسه آل البیت ﷺ لاحیاء التراث.
عبیدلی، ابی الحسن (۱۴۱۳ ق). ***تهذیب الانساب***، تصحیح: محمدکاظم محمودی، قم: کتابخانهٔ آیت‌الله مرعشی.
گدار، آندره(۱۳۶۸). ***آثار ایران***، جلد چهارم، ترجمه: ابوالحسن سروقدم، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
گفت و گو با آقای سید امین الله بدیع زادگان (دی ماه ۱۳۹۹).
گفت و گو با آقای سید حسین توفیقی (مهر ۱۳۹۹).
گفت و گو با آقای علی‌رضا انتشاری (بهمن ۱۳۹۹).
گفت و گو با مرحوم آقای دکتر محمدعلی خردمند (آذر ۱۳۹۹).
گلمبک، لیزا؛ ویلبر، دونالد (۱۳۷۴). ***معماری تیموری در ایران و توران***، ترجمه: کرامت الله افسر و محمد یوسف کیانی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
لطفی، علیرضا؛ مسجدی، حسین (۱۳۹۰). ***فرهنگ وارهٔ گرمابه***، تهران: کتاب آبان.
مدرس تبریزی، محمدعلی (۱۳۶۹). ***ریحانة الادب***، تهران: انتشارات خیام.
منشی ترکمان، اسکندر بیک (۱۳۵۰). ***تاریخ عالم آرای عباسی***، تهران: امیرکبیر.
مهدوی، سید مصالح‌الدین (۱۳۸۲). ***مزارات اصفهان***، تصحیح و تعلیق: دکتر اصغر منتظرالقائم، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
مهدوی، سید مصالح‌الدین (۱۳۸۶). ***اعلام اصفهان***، ج ۱، با تعلیقات و اضافات: غلامرضا نصراللّهی، چاپ اول، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
مهریار، محمد (۱۳۸۲). ***فرهنگ جامع نام‌ها و آبادی‌های کهن اصفهان***، اصفهان: فرهنگ مردم.
نصرآبادی، محمدطاهر (۱۳۷۸). ***تذکرهٔ نصرآبادی***، مقدمه، تصحیح و تعلیقات: محسن نصرآبادی، تهران: اساطیر.
همایی، جلال الدین (۱۳۸۹). ***تاریخ اصفهان (مجلّد جغرافیای اصفهان)***، به کوشش ماهدخت بانوهمایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
همایی، جلال الدین (۱۳۸۴). ***تاریخ اصفهان (مجلّد ابنیه و عمارات و آثار باستانی)***، به کوشش: ماهدخت بانوهمایی، تهران: مؤسسه نشر هما،
همایی، جلال الدین (۱۳۹۰). ***تاریخ اصفهان (تتمهٔ ابنیه و عمارات)***، به کوشش: ماهدخت بانوهمایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
همایی، جلال الدین (۱۳۹۰). ***تاریخ اصفهان (سلسله سادات و مشجرات و مسطحات، انساب و نسب امامزاده‌های اصفهان)***، به کوشش: ماهدخت بانوهمایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
هنرفر، لطف الله (۱۳۵۰). ***گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان***، چاپ دوم، اصفهان: انتشارات ثقفی.
یادداشت‌های خانم زهرا شهیر (آبان ماه ۱۳۹۹).

یادداشت‌های نگارنده (محمدحسین ریاحی) دربارهٔ «درب امام»، ۱۳۹۸ ـ ۱۴۰۰.
یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۶۲). ***تاریخ یعقوبی***، ترجمه: محمد ابراهیم آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۸۷). ***البلدان***، ترجمه: محمدابراهیم آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

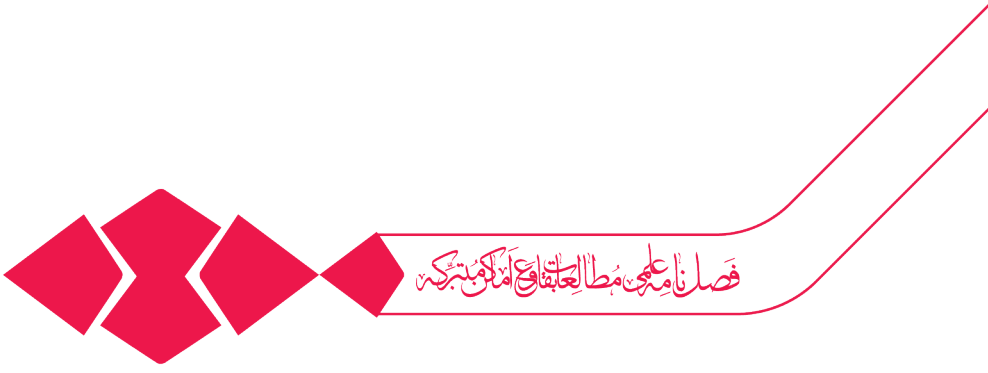
فصلنامه علمی مطالعات قرآنی و حدیث